

ارزیابی میزان دستیابی به اهداف آموزشی مدیریت بحران (محیط زیست) در مناطق زلزله خیز با تأکید بر زلزله استان کرمانشاه

*فرهود حمیدی فراهانی^۱، سید محمد شبیری^۲، محمد علی ابراهیمی^۳، مریم لاریجانی^۴، مهدیه رضائی^۵

۱. دانشجوی دکتری، گروه آموزش محیط زیست، دانشگاه پیام نور

۲. استاد، گروه آموزش محیط زیست، دانشگاه پیام نور

۳. دانشیار، گروه بیوتکنولوژی کشاورزی، دانشگاه پیام نور

۴. استادیار، گروه آموزش محیط زیست، دانشگاه پیام نور

۵. عضو هیات علمی، گروه آموزش محیط زیست، دانشگاه پیام نور

(دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۷ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۲۰)

Assess the Achievement of the Objectives of Crisis Management Training (Environment) in Earthquake-Prone Areas Emphasizing the Earthquake in Kermanshah Province

*Farhood Hamidi Farahani¹, Seyed Mohammad Shobeiri², Mohammad Ali Ebrahimi³, Maryam Larijani⁴, Mahdiah Rezaei⁵

1. Ph.D. Candidate in Environmental Education, Payame Noor University, Tehran, Iran

2. Professor of Environmental Education, Payame Noor University, Tehran, Iran

3. Associate Professor of Agricultural Biotechnology, Payame Noor University, Tehran, Iran

4. Assistant Professor of Environmental Education, Payame Noor University, Tehran, Iran

5. Faculty member of Environmental Education, Payame Noor University, Tehran, Iran

(Received: 06/02/2018

Accepted: 10/05/2018)

Abstract:

The purpose of this study was to assess the achievement of educational objectives for management of the crisis (environment) in the earthquake-stricken area of Kermanshah province. The research method of this paper is a survey, and the statistical population is the citizens living in SarPol-e-Zahab, the NGOs involved in the Kermanshah earthquake and environmentalists with a sample size of 525 people. The survey tool is a closed questionnaire with a Likert scale and a distance scale. Data analysis was performed using SPSS software, and the reliability of the questionnaire was determined through internal matching of the items (Cronbach's alpha). Findings showed that about 63% of respondents believe that awareness raising in the environmental field is essential, but 97% of respondents believe that triple action (government, NGO, and people) in the areas of the earthquake is not acceptable in the field of increasing awareness. Also, about 67% believe that promotion of knowledge in environmental issues is of great importance, with 80% of respondents acknowledging that the performance of this category in poorly seized areas has been weak. About 68% of respondents believe that positive attitudes toward environmental issues are necessary, and 72% think that the importance of this in earthquake areas is weak and very weak. Approximately 70% of respondents considered skills to be necessary, but 79% believed that the field was weak. In sum, the achievement of environmental education goals in a critical and realistic situation (SarPol-e-Zahab earthquake), which is considered in this paper, is in a fragile state.

Keywords: Crisis Management, Awareness, Knowledge, Attitude, Participation, Skill.

چکیده:

هدف این پژوهش، ارزیابی میزان دستیابی به اهداف آموزشی مدیریت بحران (محیط زیست) در منطقه زلزله زده استان کرمانشاه است. روش تحقیق این مقاله پیمایشی و جامعه آماری، شهروندان ساکن در شهر سرپل ذهاب، سازمان های مردم نهاد درگیر در زلزله کرمانشاه و متخصصین محیط زیست است که حجم نمونه ۵۲۵ نفر محاسبه گردید. ابزار نظرسنجی، پرسشنامه بسته و با سطح مقیاس لیکرت و فاصله ای است. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS صورت گرفته و پایایی پرسشنامه از طریق همسازی درونی گویه ها (آلفای کرونباخ) تعیین شده است. یافته ها نشان داد که در حدود ۶۳ درصد از پاسخگویان معتقدند که افزایش آگاهی در حوزه محیط زیستی از اهمیت بالای برخوردار است؛ اما ۹۷ درصد پاسخگویان معتقدند که عملکرد سه گانه (دولت، سازمان مردم نهاد و مردم) در مناطق زلزله زده در حوزه افزایش آگاهی قابل قبول نیست. همچنین در حدود ۶۷ درصد معتقدند که ارتقاء دانش در مسائل محیط زیستی از اهمیت ویژه ای برخوردار است که ۸۰ درصد پاسخگویان اذعان داشتند که عملکرد این مقوله در مناطق زلزله زده ضعیف بوده است. در حدود ۶۸ درصد از پاسخگویان معتقدند که نگرش مثبت به مسائل محیط زیستی مهم است و ۷۲ درصد معتقدند عملکرد این مهم در مناطق زلزله زده ضعیف و بسیار ضعیف بوده است. در حدود ۷۰ درصد از پاسخگویان داشتن مهارت را با اهمیت دانستند؛ اما ۷۹ درصد معتقدند عملکرد این حوزه ضعیف بوده است. در مجموع میزان دستیابی به اهداف آموزشی محیط زیست در شرایط بحرانی و واقعی (زلزله سرپل ذهاب) که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته در وضعیت بسیار ضعیف قرار دارد.

واژه های کلیدی: مدیریت بحران، آگاهی، دانش، نگرش، مشارکت، مهارت.

*نویسنده مسئول: فرهود حمیدی فراهانی
E-mail: farahani-f@tehran.ir

*Corresponding Author: Farhood Hamidi Farahani

مقدمه

در تاریخ ۲۱ آبان ماه ۱۳۹۶ (ساعت ۲۱: ۴۸) زلزله‌ای به شدت ۷/۳ در مقیاس ریشتر در نزدیکی ازگله استان کرمانشاه به مدت ۳۰ ثانیه شهرستان‌های کرمانشاه، سرپل ذهاب، گیلان غرب، قصر شیرین، ثلاث باباجانی، دالاهو، اسلام‌آباد غرب و جوانرود را لرزاند و منجر به تخریب و آسیب بسیاری از بافت‌های محلی در این استان گردید. این حادثه تعداد ۵۷۹ نفر تلفات داشت و حدود ۱۰۰ هزار واحد مسکونی شهری و روستایی به‌طور صد در صد تخریب گردید. تعداد ۴۰ هزار واحد مسکونی نیز هم‌اکنون نیاز به ساخت مجدد دارد. این زمین‌لرزه یک وضعیت خاص را برای مناطق شهری و روستایی ایجاد کرد، بطوریکه تعداد ۸ شهر، ۱۹۳۰ روستا و حدود ۱۵۰ هزار نفر جمعیت به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر این خرابی‌ها قرار گرفتند.

تخریب زیرساخت‌های اساسی از جمله بیمارستان، سوله بحران، مراکز اداری حیاتی و امثال آن و از سوی دیگر کاهش شاخص محیط‌زیستی در محدوده زلزله، به میزان قابل توجهی بر شرایط انسانی، اجتماعی، اقتصادی، زیرساختی و محیط‌زیستی اثرات منفی داشته است. از سوی دیگر ورود نهادهای دولتی (مدیریت بحران، وزارت کشور، وزارت بهداشت، شهرداری‌ها و غیره) و سازمان‌های مردم‌نهاد (محیط‌زیستی، بهداشت و سلامت، بحران، آسیب‌های اجتماعی، حمایتی، خیریه‌ها و غیره) و مردم (کمک‌رسان و آسیب‌دیده) که جهت کمک و امدادرسانی آمده بودند و عدم هماهنگی بین بخشی، منجر به ظهور عرصه‌ای در محیط بحران شد که بسیاری را بر آن داشت تا از نحوه مدیریت بحران در این استان انتقاد داشته باشند.

کیفیت بهداشت بیش از ۱۲ اسکان اضطراری در شهرستان سرپل ذهاب و حدود ۸ هزار چادر که توسط زلزله‌زدگان ایجاد شده بود، بسیار ضعیف بود. عدم مدیریت صحیح فاضلاب و وجود نشانه‌هایی از آلودگی در آب آشامیدنی مورد استفاده خانواده‌ها و همچنین دفع غیراصولی زباله جامد و مایع و نخاله‌های ساختمانی موجب تضعیف محیط‌زیست و مسائل بهداشتی در کوتاه‌مدت و بلندمدت خواهد شد. همچنین خطر تقریباً تعدیل شده استفاده نامناسب از توالت‌های قابل حمل تک یا چند چشمه‌ای نیز وجود دارد که منجر به اثرات منفی محیط‌زیستی می‌گردد.

از سوی دیگر مخاطرات ژئوفیزیک و هیدرو هواشناسی به احتمال افزایش ناگهانی سیل و اثرات مشابه با شروع

بارندگی‌های فصلی می‌افزاید و این امر منجر به حوادث خطرناک برای جمعیت‌های اسکان موقت و اضطراری شده و تهدیدات بسیاری را به دنبال دارد. همچنین اکثر اسکان‌های اضطراری و موقت، فاقد حداقل استانداردها بوده و با مشکلات خاصی از جمله بهداشت کم، کیفیت پایین و کمبود کانکس و خطرات بالقوه آتش‌سوزی همراه بود، بطوریکه اکثر این سایت‌ها فاقد هرگونه استاندارد برای اسکان بوده و قابلیت لازم برای استفاده بیش از چند ماه را ندارند. از سوی دیگر در آینده‌ای نه‌چندان دور، ساخت و مرمت هزاران ساختمان دولتی و خصوصی آغاز می‌شود و با توجه به اینکه دفع این زباله‌ها با ناهنجاری روبرو بوده است، نیاز به مدیریت نخاله‌ها را دوچندان می‌نماید.

وقوع زلزله امری اجتناب‌ناپذیر است و همواره تهدیدی جدی برای بشر محسوب می‌شود که مصیبت‌های بزرگ بشری و تلفات مالی و جانی فراوانی را به همراه دارد. در این راستا، فعالیت‌های مختلفی برای توانمندسازی مدیریت بحران و ارتقاء آمادگی و ارائه آموزش‌های موردنیاز به مسئولان و مردمان برای پیشگیری از اثرات زلزله و مواجهه با بحران ناشی از آن در دو دهه اخیر بخصوص بعد از زلزله بم (۱۳۸۳) به اجرا درآمده است. عدم اثربخشی لازم آموزش مناسب در بین عوامل دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد و مردم و فقدان هماهنگی بین بخشی منجر به سردرگمی، هرج‌ومرج و موازی کاری شده و در نهایت به عدم خدمت‌رسانی مناسب به زلزله‌زدگان منجر می‌گردد. سازمان‌های مختلف و همچنین افراد وابسته به سازمان‌ها، درک وضعیت متفاوتی بسته به کار، موقعیت، اطلاعات، دانش، فرهنگ سازمانی و آمادگی برای عمل دارند (Dubois et al., 2012). پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که نتیجه نهایی یک فاجعه به‌شدت وابسته به آماده‌سازی اولیه و آموزش قبل از وقوع بحران دارد (Sundelius & Hart, 2013 & Asproth et al., 2007). بون و هارت (۲۰۰۷) استدلال می‌کنند که موارد اضطراری پیشین، منبع خوبی برای یادگیری، برنامه‌ریزی عملی و آماده‌سازی برای شرایط بحرانی آینده است. علی‌رغم این نتایج، اسپروث و همکاران (۲۰۰۷) ادعا می‌کنند که آموزش در شرایط بحران می‌تواند مردم را بهتر برای مدیریت بحران نوظهور آماده سازد. عبدالمی و وجود آمادگی قبلی در یک جامعه

حال باید دید در یک آموزش کارا و مؤثر چه عواملی دارای اهمیت هستند:

اولین مسئله، تعیین ارزیابی اهداف نظام آموزش در شرایط بحران است. هدف کلی آموزش در هر جامعه‌ای این است که هر فرد را طبق الگوی ارزش‌های فرهنگی، سیاسی، محیط‌زیستی و اجتماعی خود تربیت کرده و انسانی متناسب تحویل جامعه دهد. اهداف آموزش و پرورش سه نقش مهم در مدیریت آموزشی ایفا می‌کنند. اولاً به فراگرد آموزش و پرورش جهت می‌دهند. ثانیاً انگیزه حرکت و فعالیت را به وجود می‌آورند. ثالثاً ملاک‌های کنترل و ارزشیابی فعالیت‌های آموزشی را ایجاد می‌نمایند.

دومین مسئله، تعیین مهارت‌های سه‌گانه آموزشی بحران است. رابرت کاتز^۱، مهارت‌های مورد نیاز مدیران را به صورت فنی، انسانی و ادراکی طبقه‌بندی کرده است. مهارت، به توانایی‌های قابل پرورش شخص که در عملکرد و ایفای وظایف منعکس می‌شود، اشاره می‌کند. منظور از مهارت، توانایی به کار بردن مؤثر دانش و تجربه شخصی است (Totonchian, 1991).



شکل ۱. مهارت‌های ۳ گانه مدیریت آموزشی (Totonchian, 1991)

سومین مسئله، تعیین کارکردهای آموزشی بحران است. فراگرد مدیریت را غالباً به کارکردها یا وظایف مدیریت، تفکیک و تجزیه می‌کنند. منظور از کارکرد، فعالیتی مهم و اساسی است که در نیل به هدف، ضرورت دارد. هنری فایول^۲، اولین کسی که وظایف مدیریت را تقسیم کرده، معتقد است وظایف اساسی مدیریت عبارت‌اند از برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، فرماندهی، هماهنگی و کنترل کردن (Totonchian, 1991).

با توجه به زلزله ۱۳۹۶ کرمانشاه می‌توان لایه‌های آشکار و همچنین مکنون و پنهان فقدان نظام آموزشی بحران در کشور

برای برخورد با زلزله را یکی از مهم‌ترین عوامل در کاستن از صدمات زلزله می‌داند (Abdollahi, 2004). حذف فاجعه غیرممکن، اما کاستن از صدمات آن ممکن است و آمادگی جامعه به‌عنوان یک بخش از برنامه کاهش خسارات و آسیب‌پذیری تلقی می‌شود. از سوی دیگر بر اساس سیاست کلی پیشگیری و کاهش خطرات ناشی از سوانح طبیعی و حوادث غیرمترقبه ابلاغی توسط مقام معظم رهبری، اولین بند این سیاست بر افزایش و گسترش آموزش و آگاهی و فرهنگ ایمنی و آماده‌سازی مسئولان و مردم برای رویارویی با عوارض ناشی از سوانح طبیعی و حوادث غیرمترقبه به‌ویژه خطر زلزله و پدیده‌های جوی و اقلیمی، تأکید دارد (مصوب ۱۳۸۴/۳/۲).

موضوع آموزش محیط‌زیست در قوانین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز لحاظ شده است. بطوریکه مواد ۶۰ و ۶۴ قانون برنامه چهارم توسعه و ماده ۱۸۹ قانون برنامه پنجم توسعه می‌تواند محمل قانونی و سازوکار مناسبی را برای توسعه منسجم و هدفمند برنامه‌های آموزش محیط‌زیست فراهم نماید.

در طول بحران، هماهنگی و ارتباطات سازمان‌ها برای به اشتراک گذاشتن دانش در مورد وضعیت و توانایی کاهش شدت بحران ضروری است. یک بحران مانند کاترینا در سال ۲۰۰۵ نشان داد که موانع و مشکلات زیادی در تمامی سطوح مراکز بحرانی دولت وجود دارد: سردرگمی، تأخیر، اشتباه، عدم فعالیت، عدم هماهنگی و عدم رهبری (Lagadec, 2007)؛ بنابراین، برای شناسایی خطرها، تمرین ضروری است، استفاده از روش‌های اضطراری خاص یا قابلیت‌های مختلف و سایر قابلیت‌های بسیار مهم دیگر (تصمیم‌گیری در شرایط استرس‌زا، ارتباطات، مهارت‌های مشترک و امثال آن) (McCreight, 2017 & Fagel, 2014 & Kazimoglu et al., 2012). تمرینات بحران بر اساس سناریویی است که باید مهارت‌های گروه مدیریت بحران آن را انجام دهد؛ لذا تدارک یک سناریوی مؤثر بدون اهرم‌های آموزشی، غیرممکن است. آموزش و تمرین مبتنی بر سناریوهایی هستند که به دنباله‌ای از واقعیت‌های سازمان‌یافته در چارچوب زمان-فضا مربوط می‌شوند. یک سناریوی مناسب توسط یک رویداد آغاز می‌شود و دنباله‌ای از وقایع را دنبال می‌کند (Rankin et al., 2011). یک سناریو نیز یک وضعیت شبیه‌سازی‌شده در طی یک تمرین است که باید به شرکت‌کنندگان اجازه دهد مهارت‌ها و توانایی‌های مدیریت بحران خود را توسعه دهند.

جامعه آماری، مجموعه شهروندان ساکن در شهر سرپل ذهاب، سازمان‌های مردم‌نهاد درگیر در زلزله کرمانشاه و متخصصین محیطزیست است که حجم نمونه ۵۲۵ نفر محاسبه گردید. حجم نمونه شهروندان بر اساس فرمول کوکران ۳۸۵ نفر تعیین شد؛ ۱۰۰ نفر از سازمان‌های مردم‌نهاد و افرادی که به‌صورت انفرادی خدمت‌رسانی می‌کردند و ۴۰ نفر هم از متخصصین حوزه‌های محیطزیست و آموزش انتخاب شدند.

شیوه نمونه‌گیری از شهروندان به روش نمونه‌گیری تصادفی با طبقه‌بندی متناسب به دست آمد. بدین‌صورت که ابتدا بلوک‌های ساختمانی پهنه‌های ۱۱ گانه شهر سرپل ذهاب برحسب جمعیت هر منطقه مشخص شد و با استفاده از روش نمونه‌گیری سامانمند، تعداد بلوک‌ها در هر پهنه بر روی نقشه بلوک‌های ساختمانی مشخص گردید و سپس توسط فرم فهرست برداری، فهرست خانوارها با شماره پلاک ساختمان و واحد مسکونی مشخص گردید و با ضریب ۴/۵ درصد تعداد نمونه در بلوک تعیین شد و با به دست آوردن فاصله نمونه‌گیری (K)، عدد مبدأ از جدول اعداد تصادفی خانوارهای نمونه به‌صورت سامانمند تصادفی دوره‌ای انتخاب شد و توسط مصاحبه با افراد بالای ۱۸ سال پرسشنامه تکمیل گردید. متخصصین با روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند و نمونه‌گیری از سازمان‌های مردم‌نهاد نیز به‌صورت تصادفی انجام شد.

و اولویت‌های آن را پیدا و راه‌حل‌های مبتنی بر شرایط جامعه ایرانی تجویز نمود. نتیجه یک آموزش مؤثر و کارا در رفتارها و عملکرد مجریان، نمود و ظهور میابد. بر این اساس، هدف این پژوهش، ارزیابی میزان دستیابی به اهداف آموزشی مدیریت بحران با تأکید بر محیطزیست در مناطق زلزله‌زده استان کرمانشاه است. دسته‌بندی اهداف آموزش محیطزیست به شرح ذیل صورت گرفته است:

آگاهی: کمک به گروه‌های اجتماعی و افراد برای ایجاد حساسیت نسبت به محیطزیست و مشکلات مشترکشان.

دانش: کمک به گروه‌های اجتماعی و افراد برای کسب انواع مختلفی از تجربه برای درک اساسی از محیطزیست و مسائل مربوط به آن.

نگرشی: کمک به گروه‌های اجتماعی و افراد برای کسب مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرانی‌ها و ایجاد انگیزه برای مشارکت فعالانه در بهبود و حفاظت محیطزیست.

مهارت‌ها: کمک به گروه‌های اجتماعی و افراد برای کسب مهارت‌های لازم جهت شناسایی و حل مشکلات محیطزیست. **مشارکت:** ایجاد فرصت برای تمام گروه‌های اجتماعی و افراد برای حضور گسترده در تمام سطوح جهت حل‌وفصل مشکلاتی که محیطزیست درگیر آن است (Palmer & Suggate, 2006).

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از دو روش مطالعه پیمایشی^۱ و اسنادی بهره گرفته شده است، در مطالعه پیمایشی از ابزار پرسشنامه محقق ساخته برای جمع‌آوری اطلاعات بهره گرفته شد که روایی آن توسط متخصصین و پایایی آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت. واحد تحلیل، فرد بوده است و اثربخشی آموزش بحران از روش اشتهاری از شهروندان آسیب‌دیده زلزله و همچنین متخصصین احصاء و مورد ارزیابی قرار گرفته است. مطالعه اسنادی نیز از دو طریق:

۱- جمع‌آوری ادبیات نظری، جمع‌بندی و فرا تحلیل کیفی؛

۲- جمع‌آوری اسناد موجود در سازمان‌هایی همچون مدیریت بحران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، استانداری کرمانشاه و غیره و تجزیه و تحلیل آن‌ها، انجام شده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که ۲۵٫۳ درصد از پاسخگویان بین ۱۸ تا ۲۹ سال سن داشتند، ۵۲٫۷ درصد بین ۳۰ تا ۵۹ و ۲۲ درصد بیش از ۶۰ سال سن داشتند. میانگین سنی پاسخگویان نیز ۴۰ سال بوده است. دامنه تغییرات سن در جامعه آماری در پایین‌ترین حد ۱۸ سال و در بالاترین حد، ۷۶ سال بوده است. همچنین ۲۰ درصد پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی دیپلم، ۴۴٫۴ درصد لیسانس و ۳۵٫۲ درصد، فوق‌لیسانس و دکتری بوده‌اند.

در حدود ۶۳ درصد از پاسخگویان معتقدند که افزایش آگاهی نسبت مسائل محیطزیستی در شرایط بحران می‌تواند مهم‌ترین اقدام آموزشی برای سه‌گانه (دولت، سازمان مردم‌نهاد و مردم) در مسائل محیطزیستی باشد، در مقابل حدود ۴ درصد این اعتقاد را ندارند. از سوی دیگر ۹۷ درصد پاسخگویان

اقدام آموزشی جهت افزایش آگاهی و در تقابل با میزان اهمیت و رضایت در عمل^۱

همان‌طور که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد؛ اقدام آموزشی جهت افزایش آگاهی در تقابل با میزان اهمیت و رضایت در عمل در تقاطع با سه سطح از اقدامات دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد و مردم در سطح ۹۹ درصد معنادار است. بیش از ۷۰ درصد پاسخگویان آگاهی از مسائل محیط‌زیست در شرایط بحرانی برای اقدامات دولت، ۵۸ درصد برای اقدام سازمان‌های مردم‌نهاد و بیش از ۶۰ درصد برای اقدامات مردم، معتقدند اقدام آموزشی جهت افزایش آگاهی برای کمک به گروه‌های اجتماعی و افراد برای ایجاد حساسیت نسبت به محیط‌زیست و مشکلات مشترکشان از اهمیت زیاد و خیلی زیاد برخوردار است. در مقابل در حدود ۴ درصد برای اقدامات دولت، ۳/۲ درصد برای اقدام سازمان‌های مردم‌نهاد و ۳/۶ درصد برای اقدامات مردم معتقدند آگاهی از مسائل محیط‌زیست در شرایط بحرانی برای این گروه‌ها از اهمیت کم و خیلی کم برخوردار است.

بعلاوه در بخش دوم جدول، میزان رضایت از اقدامات متولیان در حوزه آگاهی و برای سه‌گانه دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد و مردم در شرایط بحرانی و واقعی زلزله سرپل ذهاب سنجیده شده است. حدود ۴۰ درصد پاسخگویان هیچ‌گونه رضایتی از اقدامات دولت در این حوزه نداشتند و حدود ۶۰ درصد هم رضایت کم و خیلی کم داشتند، از سوی دیگر ۳/۲ درصد پاسخگویان هیچ‌گونه رضایتی از اقدامات سازمان‌های مردم‌نهاد در این حوزه نداشتند و حدود ۸۸ درصد هم رضایت کم و خیلی کم داشتند و حدود ۳۷ درصد پاسخگویان هیچ‌گونه رضایتی از اقدامات مردم در این حوزه نداشتند و حدود ۶۳ درصد هم رضایت کم و خیلی کم داشتند. به عبارتی می‌توان گفت آگاهی که به‌مثابه کمک به گروه‌های اجتماعی و افراد برای ایجاد حساسیت نسبت به محیط‌زیست و مشکلات مشترکشان است از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است که تجربه زلزله کرمانشاه نشان داد این مهم مورد غفلت واقع شده است.

معتقدند که عملکرد سه‌گانه (دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد و مردم) در مناطق زلزله‌زده در حوزه آگاهی محیط‌زیستی، ضعیف و بسیار ضعیف بوده است و در مقابل تنها ۳ درصد، نظری مخالف داشته‌اند.

حدود ۶۷ درصد پاسخگویان معتقدند که ارتقای دانش در مسائل محیط‌زیستی می‌تواند مهم‌ترین اقدام آموزشی برای سه‌گانه (دولت، سازمان مردم‌نهاد و مردم) باشد در مقابل حدود ۳ درصد، این اعتقاد را ندارند. از سوی دیگر ۸۰ درصد پاسخگویان معتقدند که عملکرد سه‌گانه دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد و مردم در مناطق زلزله‌زده در حوزه دانش محیط‌زیست، ضعیف و بسیار ضعیف است و در مقابل ۲۰ درصد نظری مخالف داشته‌اند.

در حدود ۶۸ درصد از پاسخگویان معتقدند که تغییر نگرش در مسائل محیط‌زیستی می‌تواند مهم‌ترین اقدام آموزشی برای سه‌گانه دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد و مردم باشد، در مقابل حدود ۳ درصد، این اعتقاد را ندارند. از سوی دیگر ۷۲ درصد پاسخگویان معتقدند که عملکرد سه‌گانه دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد و مردم در مناطق زلزله‌زده در حوزه نگرش به محیط‌زیست، ضعیف و بسیار ضعیف بوده است و در مقابل ۲۸ درصد، نظری مخالف داشته‌اند.

در حدود ۷۰ درصد از پاسخگویان معتقدند که افزایش مهارت در مسائل محیط‌زیستی می‌تواند مهم‌ترین اقدام آموزشی برای سه‌گانه دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد و مردم باشد، در مقابل حدود ۲ درصد این اعتقاد را ندارند. از سوی دیگر ۷۹ درصد پاسخگویان عملکرد سه‌گانه دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد و مردم در مناطق زلزله‌زده در خصوص مهارت در حوزه محیط‌زیست را ضعیف و بسیار ضعیف می‌دانستند و در مقابل ۲۱ درصد نظری مخالف داشته‌اند.

در حدود ۶۲ درصد از پاسخگویان معتقدند که افزایش مشارکت در مسائل محیط‌زیستی می‌تواند مهم‌ترین اقدام آموزشی برای سه‌گانه دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد و مردم باشد. در مقابل حدود ۷ درصد این اعتقاد را ندارند. از سوی دیگر ۸۳ درصد پاسخگویان معتقدند که عملکرد سه‌گانه دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد و مردم در مناطق زلزله‌زده در حوزه مشارکت در مسائل محیط‌زیست، ضعیف و بسیار ضعیف بوده است و در مقابل ۱۷ درصد نظری مخالف داشته‌اند.

۱. منظور رضایت از اقداماتی است که در شرایط بحرانی و واقعی (زلزله سرپل ذهاب) اتفاق افتاده است

جدول ۱. افزایش آگاهی در مسایل محیطزیستی در تقابل با میزان اهمیت و رضایت در عمل

کل	افزایش آگاهی مسایل محیطزیستی در شرایط بحران زلزله						مقدار	میزان اهمیت	دولت
	خیلی زیاد	زیاد	تا حدی	کم	خیلی کم	اصلاً			
۵۲۵	۲۰۰	۱۷۳	۱۳۱	۱۶	۵	۰	مقدار	میزان اهمیت	دولت
۱۰۰	۳۸/۱	۳۳	۲۵	۳	۱	۰	درصد سطری	رضایت در عمل	
۵۲۵	۰	۰	۰	۱۰	۳۰۶	۲۰۹	مقدار	میزان اهمیت	مردم
۱۰۰	۰	۰	۰	۱/۹	۵۸/۳	۳۹/۸	درصد سطری	رضایت در عمل	
۵۲۵	۱۱۸	۱۸۸	۲۰۲	۱۷	۰	۰	مقدار	میزان اهمیت	سازمان‌های مردم‌نهاد
۱۰۰	۲۲/۵	۳۵/۸	۳۸/۵	۳/۲	۰	۰	درصد سطری	رضایت در عمل	
۵۲۵	۰	۰	۴۵	۲۱۰	۲۵۳	۱۷	مقدار	میزان اهمیت	مردم
۱۰۰	۰	۰	۸/۶	۴۰	۴۸/۲	۳/۲	درصد سطری	رضایت در عمل	
۵۲۵	۱۳۷	۱۸۳	۱۸۵	۱۶	۳	۱	مقدار	میزان اهمیت	مردم
۱۰۰	۲۶/۱	۳۴/۹	۳۵/۲	۳	۰/۶	۰/۲	درصد سطری	رضایت در عمل	
۵۲۵	۰	۰	۰	۲۳	۳۰۸	۱۹۴	مقدار	میزان اهمیت	مردم
۱۰۰	۰	۰	۰	۴/۴	۵۸/۷	۳۷	درصد سطری	رضایت در عمل	
Chi-Square				۱۳/۲۴۱	Sig	۰۰/.			

اقدامات سه گانه دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد و مردم، داشتن دانش مسایل محیطزیست در شرایط بحرانی و واقعی زلزله سرپل ذهاب سنجیده شده است. حدود ۲۸ درصد پاسخگویان هیچ‌گونه رضایتی از اقدامات دولت در حوزه افزایش دانش جهت درک اساسی از محیطزیست و مسایل مربوط به آن نداشتند و حدود ۷۲ درصد هم رضایت کم و خیلی کم داشتند، از سوی دیگر ۴۲ درصد پاسخگویان نیز هیچ‌گونه رضایتی از اقدامات سازمان‌های مردم‌نهاد در این حوزه نداشتند و حدود ۵۸ درصد هم رضایت کم و خیلی کم داشتند و بعلاوه حدود ۳۰ درصد پاسخگویان از اقدامات مردم در این حوزه، رضایت کم و خیلی کم داشتند.

به عبارتی می‌توان گفت دانش مجموعه‌ای از شناخت‌ها و مهارت‌های لازم برای حل یک مسئله است، لذا اگر اطلاعاتی که در دست است بتواند مشکلی را حل کند می‌توان گفت دانش وجود دارد. ضمن آنکه دانش باید امکان تبدیل به دستورالعمل اجرایی و عملی شدن را داشته باشد و بسیاری از پاسخگویان معتقد بودند با توجه به اهمیت افزایش دانش در مدیریت بهتر مسایل محیطزیست؛ اما عملکرد سه‌گانه‌های مستقر در منطقه زلزله‌زده ضعیف و بسیار ضعیف بوده است.

اقدام آموزشی جهت افزایش دانش و در تقابل با میزان اهمیت و رضایت در عمل

همان‌طور که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد؛ اقدام آموزشی جهت افزایش دانش در مسایل محیطزیستی در شرایط بحران در تقابل با میزان اهمیت و رضایت در عمل در تقاطع با سه سطح از اقدامات دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد و مردم در سطح ۹۹ درصد معنادار بوده است. بیش از ۶۳ درصد پاسخگویان، دانش در مسایل محیطزیست در شرایط بحرانی برای اقدامات دولت، ۷۰ درصد برای اقدام سازمان‌های مردم‌نهاد و بیش از ۶۸ درصد برای اقدامات مردم معتقدند اقدام آموزشی جهت افزایش دانش جهت کمک به گروه‌های اجتماعی و افراد برای کسب انواع مختلفی از تجربه برای درک اساسی از محیطزیست و مسایل مربوط به آن از اهمیت زیاد و خیلی زیاد برخوردار است. در مقابل در حدود ۳ درصد پاسخگویان برای اقدامات دولت، ۲/۵ درصد برای اقدام سازمان‌های مردم‌نهاد و ۳/۶ درصد برای اقدامات مردم معتقدند دانش در مسایل محیطزیست در شرایط بحرانی برای این گروه‌ها از اهمیت کم و خیلی کم برخوردار است.

بعلاوه در بخش دوم جدول شماره ۲، میزان رضایت از

جدول ۲. ارتقای دانش در مسایل محیط‌زیستی در تقابل با میزان اهمیت و رضایت در عمل

کل	ارتقای دانش مسائل محیط‌زیستی در شرایط بحران زلزله									
	خیلی زیاد	زیاد	تا حدی	کم	خیلی کم	اصلاً				
۵۲۵	۱۴۹	۱۸۵	۱۷۶	۱۵	۰	۰	مقدار	میزان اهمیت	دولت	
۱۰۰	۲۸/۴	۳۵/۲	۳۳/۵	۲/۹	۰	۰	درصد سطری			
۵۲۵	۰	۰	۰	۱۰۵	۲۷۴	۱۴۶	مقدار	رضایت در عمل	دولت	
۱۰۰	۰	۰	۰	۲۰	۵۲/۲	۲۷/۸	درصد سطری			
۵۲۵	۱۸۳	۱۸۵	۱۴۴	۱۳	۰	۰	مقدار	میزان اهمیت	سازمان‌های مردم‌نهاد	
۱۰۰	۳۴/۹	۳۵/۲	۲۷/۴	۲/۵	۰	۰	درصد سطری			
۵۲۵	۰	۰	۰	۲۴۲	۶۲	۲۲۱	مقدار	رضایت در عمل	سازمان‌های مردم‌نهاد	
۱۰۰	۰	۰	۰	۴۶/۱	۱۱/۸	۴۲/۱	درصد سطری			
۵۲۵	۱۷۰	۱۸۷	۱۵۴	۱۴	۰	۰	مقدار	میزان اهمیت	مردم	
۱۰۰	۳۲/۴	۳۵/۶	۲۹/۳	۲/۷	۰	۰	درصد سطری			
۵۲۵	۰	۶۶	۲۹۹	۱۶۰	۰	۰	مقدار	رضایت در عمل	مردم	
۱۰۰	۰	۱۲/۶	۵۷	۳۰/۵	۰	۰	درصد سطری			
Chi-Square				۲۳/۸۷۱	Sig		۰۰/۰			

اقدامات سه‌گانه دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد و مردم، داشتن مهارت در مسائل محیط‌زیست در شرایط بحرانی و واقعی زلزله سرپل ذهاب سنجیده شده است. حدود ۳۱ درصد پاسخگویان هیچ‌گونه رضایتی از اقدامات دولت در حوزه افزایش مهارت از حوزه محیط‌زیست و مسائل مربوط به آن نداشتند و حدود ۶۸ درصد هم رضایت کم و خیلی کم داشتند، از سوی دیگر حدود ۷ درصد پاسخگویان نیز هیچ‌گونه رضایتی از اقدامات سازمان‌های مردم‌نهاد در این حوزه نداشتند و حدود ۵۶ درصد، رضایت کم و خیلی کم داشتند و کمتر از ۹ درصد افراد هم رضایت زیادی داشتند و بعلاوه ۱۶ درصد پاسخگویان نیز هیچ‌گونه رضایتی از اقدامات مردم در این حوزه نداشتند، حدود ۶۱ درصد هم رضایت کم و خیلی کم داشتند و حدود ۴ درصد هم رضایت زیادی داشتند. به عبارتی مهارت، قابلیت است که با اطمینان معین و صرف حداقل انرژی یا زمان کاری به نتیجه برسد و شاید بتوان این ادعا را مطرح کرد که مهم‌ترین بخش عملیاتی در بحران، مجموعه مهارت‌هایی است که افراد دارند که مبتنی بر یافته‌ها، میزان رضایت از عملکرد واحدهای مستقر در مناطق زلزله‌زده ناشی از فقدان و یا کمبود نیروهای ماهر در حوزه محیط‌زیست است.

اقدام آموزشی جهت افزایش مهارت و در تقابل با میزان اهمیت و رضایت در عمل

همان‌طور که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد؛ اقدام آموزشی جهت افزایش مهارت در مسائل محیط‌زیستی در شرایط بحران در تقابل با میزان اهمیت و رضایت در عمل در تقاطع با سه سطح از اقدامات دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد و مردم در سطح ۹۹ درصد معنادار است. حدود ۶۸ درصد پاسخگویان افزایش مهارت در مسائل محیط‌زیست در شرایط بحرانی برای اقدامات دولت، ۷۱ درصد برای اقدامات سازمان‌های مردم‌نهاد و ۷۲ درصد برای اقدامات مردم معتقدند اقدام آموزشی جهت افزایش مهارت در راستای کمک به گروه‌های اجتماعی و افراد برای کسب مهارت‌های لازم جهت شناسایی و حل مشکلات محیط‌زیست از اهمیت زیاد و خیلی زیاد برخوردار است. در مقابل در حدود ۱۳ درصد پاسخگویان برای اقدامات دولت، ۲ درصد برای اقدام سازمان‌های مردم‌نهاد و حدود ۲ درصد پاسخگویان برای اقدامات مردم معتقدند مهارت در حوزه مسائل محیط‌زیست برای این گروه‌ها از اهمیت کم و خیلی کم برخوردار است.

بعلاوه در بخش دوم جدول شماره ۳، میزان رضایت از

جدول ۳. ارتقای مهارت در مسایل محیط زیستی در تقابل با میزان اهمیت و رضایت در عمل

کل	ارتقای مهارت در مسائل محیط زیستی در شرایط بحران زلزله								
	خیلی زیاد	زیاد	تا حدی	کم	خیلی کم	اصلاً			
۵۲۵	۱۷۳	۱۸۴	۱۵۵	۱۳	۰	۰	مقدار	میزان اهمیت	دولت
۱۰۰	۳۳	۳۵	۲۹/۵	۲/۵	۰	۰	درصد سطری		
۵۲۵	۰	۰	۰	۱۰۹	۲۵۵	۱۶۱	مقدار	رضایت در عمل	
۱۰۰	۰	۰	۰	۲۰/۸	۴۸/۶	۳۰/۷	درصد سطری		
۵۲۵	۱۹۳	۱۸۶	۱۳۵	۱۱	۰	۰	مقدار	میزان اهمیت	سازمان های مردم نهاد
۱۰۰	۳۶/۸	۳۵/۴	۲۵/۷	۱/۲	۰	۰	درصد سطری		
۵۲۵	۰	۴۴	۱۵۴	۱۶۴	۱۲۹	۳۴	مقدار	رضایت در عمل	
۱۰۰	۰	۸/۴	۲۹/۳	۳۱/۲	۲۴/۶	۶/۵	درصد سطری		
۵۲۵	۱۹۶	۱۸۳	۱۳۶	۱۰	۰	۰	مقدار	میزان اهمیت	مردم
۱۰۰	۳۷/۳	۳۴/۹	۲۵/۹	۱/۹	۰	۰	درصد سطری		
۵۲۵	۰	۲۲	۹۶	۱۲۹	۱۹۵	۸۳	مقدار	رضایت در عمل	
۱۰۰	۰	۴/۲	۱۸/۳	۲۴/۶	۳۷/۱	۱۵/۸	درصد سطری		
Chi-Square				۳۴/۹۱۳	Sig		۰۰/۰		

مردم معتقدند نگرش مثبت نسبت به مسائل محیط زیست در شرایط بحرانی برای این گروه ها از اهمیت کم و خیلی کم برخوردار است.

بعلاوه در بخش دوم جدول شماره ۴، میزان رضایت از اقدامات سه گانه دولت، سازمان های مردم نهاد و مردم و نگرش مثبت نسبت به مسائل محیط زیست در شرایط بحرانی و واقعی زلزله سرپل ذهاب سنجیده شده است. حدود ۲۹ درصد پاسخگویان، هیچ گونه رضایتی از اقدامات دولت در حوزه افزایش نگرش جهت درک اساسی از محیط زیست و مسائل مربوط به آن نداشتند و حدود ۷۰ درصد هم رضایت کم و خیلی کم داشتند، از سوی دیگر ۵۵ درصد پاسخگویان از اقدامات سازمان های مردم نهاد در این حوزه رضایت کم و خیلی کم داشتند و حدود ۹ درصد هم رضایت زیادی داشتند و بعلاوه حدود ۳۵ درصد پاسخگویان از اقدامات مردم در این حوزه رضایت کمی داشتند و در مقابل حدود ۱۶ درصد از اقدام مردم در این حوزه رضایت زیادی داشتند.

اقدام آموزشی جهت ایجاد نگرش مثبت و در تقابل با میزان اهمیت و رضایت در عمل

همان طور که جدول شماره ۴ نشان می دهد؛ اقدام آموزشی جهت تغییر نگرش در مسائل محیط زیستی در شرایط بحران در تقابل با میزان اهمیت و رضایت در عمل در تقاطع با سه سطح از اقدامات دولت، سازمان های مردم نهاد و مردم در سطح ۹۵ درصد معنادار است. حدود ۶۶ درصد پاسخگویان، درباره نگرش مثبت به مسائل محیط زیست در شرایط بحرانی برای اقدامات دولت، ۷۲ درصد برای اقدامات سازمان های مردم نهاد و ۶۷ درصد برای اقدامات مردم معتقدند اقدام آموزشی جهت تغییر نگرش مثبت در راستای کمک به گروه های اجتماعی و افراد برای کسب مجموعه ای از ارزش ها، نگرانی ها و ایجاد انگیزه برای مشارکت فعالانه در بهبود و حفاظت محیط زیست از اهمیت زیاد و خیلی زیاد برخوردار است. در مقابل حدود ۱۸ درصد پاسخگویان برای اقدامات دولت، ۲ درصد برای اقدامات سازمان های مردم نهاد و ۳ درصد پاسخگویان برای اقدامات

جدول ۴. ایجاد نگرش مثبت در مسایل محیط‌زیستی در تقابل با میزان اهمیت و رضایت در عمل

کل	ایجاد نگرش مثبت مسائل محیط‌زیستی در شرایط بحران زلزله						میزان اهمیت	رضایت در عمل	میزان اهمیت	رضایت در عمل	
	خیلی زیاد	زیاد	تا حدی	کم	خیلی کم	اصلاً					
۵۲۵	۱۷۱	۱۸۰	۱۵۶	۱۶	۲	۰	مقدار	دولت	میزان اهمیت	مقدار	
۱۰۰	۳۲/۶	۳۴/۳	۲۹/۷	۳	۰/۴	۰	درصد سطری		رضایت در عمل	درصد سطری	
۵۲۵	۰	۰	۰	۹۹	۲۷۱	۱۵۵	مقدار	سازمان‌های مردم‌نهاد	میزان اهمیت	مقدار	
۱۰۰	۰	۰	۰	۱۸/۹	۵۱/۶	۲۹/۵	درصد سطری		رضایت در عمل	درصد سطری	
۵۲۵	۱۹۳	۱۸۶	۱۳۵	۱۱	۰	۰	مقدار	مردم	میزان اهمیت	مقدار	
۱۰۰	۳۶/۸	۳۵/۴	۲۵/۷	۲/۱	۰	۰	درصد سطری		رضایت در عمل	درصد سطری	
۵۲۵	۰	۴۶	۱۹۱	۲۰۹	۷۹	۰	مقدار	مردم	میزان اهمیت	مقدار	
۱۰۰	۰	۸/۸	۳۶/۴	۳۹/۸	۱۵	۰	درصد سطری		رضایت در عمل	درصد سطری	
۵۲۵	۱۶۹	۱۸۴	۱۵۷	۱۵	۰	۰	مقدار	مردم	میزان اهمیت	مقدار	
۱۰۰	۳۲/۲	۳۵	۲۹/۹	۲/۹	۰	۰	درصد سطری		رضایت در عمل	درصد سطری	
۵۲۵	۰	۸۳	۲۶۱	۱۸۱	۰	۰	مقدار	مردم	میزان اهمیت	مقدار	
۱۰۰	۰	۱۵/۸	۴۹/۷	۳۴/۵	۰	۰	درصد سطری		رضایت در عمل	درصد سطری	
Chi-Square				۱۸/۲۵۴	Sig	۰۰۵					

اقدامات سه‌گانه دولت، سازمان مردم‌نهاد و مردم در زمینه مشارکت در مسائل محیط‌زیست در شرایط بحرانی و واقعی زلزله سرپل ذهاب سنجیده شده است. حدود ۴۵/۵ درصد پاسخگویان هیچ‌گونه رضایتی از اقدامات دولت در حوزه افزایش مشارکت در حوزه محیط‌زیست و مسائل مربوط به آن نداشتند و حدود ۴۲/۵ درصد هم رضایت کم و خیلی کم داشتند و چیزی کمتر از ۲ درصد رضایت زیاد داشتند، از سوی دیگر حدود ۳۲/۵ درصد پاسخگویان از اقدامات سازمان‌های مردم‌نهاد در این حوزه رضایت کم و خیلی کم داشتند و حدود ۲۵ درصد هم رضایت زیادی داشتند. بعلاوه ۳۰ درصد پاسخگویان هیچ‌گونه رضایتی از اقدامات مردم در این حوزه نداشتند و حدود ۵۷ درصد هم رضایت کم و خیلی کم داشتند. به عبارتی مشارکت به معنی شرکت فعالانه در گروه در جهت به ثمر رسانیدن یک فعالیت است و فرآیندی است که مداخله و کنترل مردم، بیشتر به تعیین آنچه از دیدگاه خود مردم یک زندگی بهتر را تشکیل می‌دهد منجر خواهد شد. بر این اساس و مبتنی بر یافته‌ها، میزان رضایت از عملکرد واحدهای مستقر در مناطق زلزله‌زده کمی نسبت به مقولات قبلی بهتر است، چون ویژگی سازمان‌های مردم‌نهاد و مردم، مشارکت پذیر بودن آن‌ها است.

اقدام آموزشی جهت افزایش مشارکت و در تقابل با میزان اهمیت و رضایت در عمل

همان‌طور که جدول شماره ۵ نشان می‌دهد؛ اقدام آموزشی جهت افزایش مشارکت در مسائل محیط‌زیستی در شرایط بحران در تقابل با میزان اهمیت و رضایت در عمل در تقاطع با سه سطح از اقدامات دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد و مردم در سطح ۹۹ درصد معنادار است. حدود ۶۹ درصد پاسخگویان افزایش مشارکت در مسائل محیط‌زیست در شرایط بحرانی برای اقدامات دولت، ۵۷ درصد برای اقدامات سازمان‌های مردم‌نهاد و ۵۹ درصد برای اقدامات مردم معتقدند اقدام آموزشی جهت افزایش مشارکت در راستای ایجاد فرصت برای تمام گروه‌های اجتماعی و افراد برای حضور گسترده در تمام سطوح جهت حل‌وفصل مشکلاتی که محیط‌زیست درگیر آن است از اهمیت زیاد و خیلی زیاد برخوردار است. در مقابل در حدود ۲/۷ درصد پاسخگویان برای اقدامات دولت، ۹ درصد برای اقدامات سازمان‌های مردم‌نهاد و ۹/۱ درصد پاسخگویان برای اقدامات مردم معتقدند مشارکت در حوزه مسائل محیط‌زیست برای این گروه‌ها از اهمیت کم و خیلی کم برخوردار است.

بعلاوه در بخش دوم جدول شماره ۵، میزان رضایت از

جدول ۵. افزایش مشارکت در مسایل محیطزیستی در تقابل با میزان اهمیت و رضایت در عمل

کل	افزایش مشارکت در مسائل محیطزیستی در شرایط بحران زلزله								
	خیلی زیاد	زیاد	تا حدی	کم	خیلی کم	اصلاً			
۵۲۵	۱۷۴	۱۸۸	۱۴۹	۱۴	۰	۰	مقدار	میزان اهمیت	دولت
۱۰۰	۳۳/۱	۳۵/۸	۲۸/۴	۲/۷	۰	۰	درصد سطری		
۵۲۵	۰	۱۰	۴۹	۹۳	۱۳۴	۲۳۹	مقدار	رضایت در عمل	دولت
۱۰۰	۰	۱/۹	۹/۳	۱۷/۷	۲۵/۵	۴۵/۵	درصد سطری		
۵۲۵	۱۲۷	۱۷۲	۱۷۷	۴۰	۶	۳	مقدار	میزان اهمیت	سازمان‌های مردم‌نهاد
۱۰۰	۲۴/۲	۳۲/۸	۳۳/۷	۷/۶	۱/۱	۰/۶	درصد سطری		
۵۲۵	۰	۱۲۸	۲۲۶	۱۴۸	۲۳	۰	مقدار	رضایت در عمل	سازمان‌های مردم‌نهاد
۱۰۰	۰	۲۴/۴	۴۳	۲۸/۲	۴/۴	۰	درصد سطری		
۵۲۵	۱۳۹	۱۷۷	۱۵۷	۳۲	۱۶	۴	مقدار	میزان اهمیت	مردم
۱۰۰	۲۶/۵	۳۳/۷	۲۹/۹	۶/۱	۳	۰/۸	درصد سطری		
۵۲۵	۰	۰	۶۷	۷۱	۲۲۹	۱۵۸	مقدار	رضایت در عمل	مردم
۱۰۰	۰	۰	۱۲/۸	۱۲/۵	۴۳/۶	۳۰/۱	درصد سطری		
Chi-Square		۲۸/۹۴۵		Sig		۰۰/۰			

بحث و نتیجه‌گیری

پیش‌بینی شده و نشده محیطزیست در شرایط بحران است. همان‌گونه که یافته‌های پژوهش نشان داد ۹۷ درصد پاسخگویان معتقدند که عملکرد سه‌گانه (دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد و مردم) در مناطق زلزله‌زده در حوزه افزایش آگاهی محیطزیست در شرایط بحرانی، ضعیف و بسیار ضعیف بوده است. البته در این مقاله ادعا نمی‌شود که افزایش آگاهی و تغییر جهان‌بینی محیطزیستی منجر به کنش جمعی در حوزه محیطزیست و تغییر رفتارهای محیطزیستی خواهد شد، چراکه در این میان متغیرهای کلیدی دیگری نیز نقش دارند و به نظر می‌رسد صرف افزایش آگاهی به‌تنهایی کنش افراد جامعه در قبال مسائل محیطزیستی را به سمت حفاظت و صیانت از آن رهنمون نمی‌سازد. نکته مهم در این میان این است که هرچند آگاهی از مسائل محیطزیستی و اطلاع از ناگوار بودن مخاطرات زیست‌بوم در شرایط بحران برای انسان و همچنین اهمیت آن برای افراد جامعه، می‌تواند عامل مهمی برای تعیین چگونگی کنش افراد در این ارتباط باشد اما به‌تنهایی قادر نیست منجر به کنش جمعی خودآگاهانه شود. شکل‌گیری مشارکت اجتماعی در قبال این مسئله، حلقه‌های واسط دیگری نیز دارد که اگرچه آبشخور اصلی آن نظام ارزشی جامعه است، اما دستی در نظام اجتماعی و سیاسی حاکم بر جوامع نیز دارد که البته در جای دیگری باید مفصلاً بحث شود، هرچند به‌عنوان یکی دیگر از

آن چنانکه پیش‌تر آمده است لازمه پیشگیری از عواقب بحران، ارائه حمایت‌های اضطراری پیش از بحران، هنگام وقوع بحران و پس از آن است. یکی از مهم‌ترین اقدامات در بحران، نقش آموزش است. آموزش و تمرین مبتنی بر آن، سناریوهایی هستند که به دنباله‌ای از واقعیت‌های سازمان‌یافته در چارچوب زمان-فضا مربوط می‌شوند. یک سناریوی مناسب توسط یک رویداد آغاز می‌شود و دنباله‌ای از وقایع را دنبال می‌کند. یک سناریو نیز وضعیتی شبیه‌سازی شده در طی یک تمرین است که باید به شرکت‌کنندگان اجازه دهد مهارت‌ها و توانایی‌های مدیریت بحران خود را توسعه دهند. هدف کلی هر آموزشی در هر جامعه‌ای این است که هر فرد را طبق الگوی ارزش‌هایی که برای آن ایجاد شده است تربیت کرده و انسانی متناسب تحویل جامعه هدف دهد. هدف این مقاله، ارزیابی اهداف آموزشی مدیریت بحران (محیطزیست) در مناطق زلزله‌خیز، با تأکید بر زلزله استان کرمانشاه و تجربه‌ای است که می‌تواند اطلاعات بسیاری در اختیار سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و عوامل اجرایی قرار دهد. در این راستا، پنج بعد اهداف آموزش که مدیریت محیطزیست در بحران پیگیری می‌کند از حیث میزان اهمیت و رضایت‌مندی از عملکرد موردبررسی قرار گرفت. اولین هدف آموزش، افزایش آگاهی نسبت به مقولات

این را نشان داد. هرچند که دانش زمانی می‌تواند مؤثر و کارا باشد که تبدیل به مهارت گردد. رابرت کاتز مهارت را به توانایی‌های قابل پرورش شخص که در عملکرد و ایفای وظایف منعکس می‌شود، تعریف می‌کند. منظور از مهارت، توانایی به کار بردن مؤثر دانش و تجربه است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که این اهداف آموزش محیط‌زیستی در شرایط بحرانی نیز از نگاه پاسخگویان بسیار ضعیف ارزیابی شده است.

در مجموع می‌توان گفت میزان دستیابی به اهداف آموزشی محیط‌زیست در شرایط بحرانی و واقعی زلزله سرپل ذهاب که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است در وضعیت ضعیف و بسیار ضعیف قرار دارد.

اهداف آموزش به آن پرداخته شد. یافته‌ها نشان داد که با توجه به اهمیت نقش مشارکت در کاهش مسائل محیط‌زیستی در شرایط بحران و همچنین به‌رغم هم ذات بودن سازمان‌های مردم‌نهاد و خود مردم با مفهوم مشارکت؛ اما میزان عملکردشان در سطح بسیار ضعیف قرار دارد.

از سوی دیگر یکی دیگر از اهداف آموزش، افزایش دانش در حوزه محیط‌زیست است. دانش مجموعه‌ای از شناخت‌ها و مهارت‌های لازم برای حل یک مسئله است لذا اگر اطلاعاتی که در دست است بتواند مشکلی را حل کند می‌توان گفت دانش وجود دارد. ضمن آنکه دانش باید امکان تبدیل به دستورالعمل اجرایی و عملی شدن را داشته باشد. سردرگمی بیش‌ازحد برخی از عاملین محیط‌زیست در مناطق زلزله‌زده کرمانشاه، گواهی بر این مدعاست و یافته‌های این پژوهش نیز

References

- Abdollahi, M. (2004). "Crisis Management in Urban Areas". Tehran: Municipalities Publications, [In Persian].
- Asproth, V. & Håkansson, A. (2007). "Complexity Challenges of critical situations caused by flooding". *Emergence, Complexity and Organization*, 9(1-2), 34-40.
- Boin, R. A. & Hart, P. (2007). "The crisis approach. In Rodrigues, H., Quarantelli, E. L., Dynes, R. R. (Eds.)". *Handbook of Disaster Research*, pp. 42-54, New York: Springer.
- Dubois, C.L.Z. & Dubois, D.A. (2012). "Strategic HRM as social design for environmental sustainability in organization". 51(6), 799-826.
- Fagel, M.J. (2014). "Crisis Management and Emergency Planning: Preparing for Today's Challenges". *CRC Press Taylor and Francis Group*, 502.
- Kazimoglu, C., Kiernan, M., Bacon, L. & MacKinnon, L. (2012). "Learning Programming at the Computational Thinking Level via Digital Game- Play". *Procedia Computer Science*, 9, 522-531.
- Lagadec, P. (2007). "Katrina : Examen Des Rappports D'enquête Tome 1, A Failure of Initiative - U.S. House of Representatives". Working Papers hal-00243053, HAL.
- McCreight, R. (2017). "An introduction to emergency exercise design and evaluation". *Government Institutes*, UK: Bernan Press.
- Palmer, J. & Suggate, J. (2006). "Influences and Experiences Affecting the Pro-Environmental Behavior of Educators". *Environmental Education Research*. 2(1), 109-122.
- Rankin, A., Kovordanyi, R., Field, J., Morin, M., Jenvald, J. & Eriksson, H. (2011). "Scenario-Based Modeling for Simulation Systems". In *Proceedings of ISCRAM*, Lisbon, Portugal.
- Sundelius, B. & Hart, P.T. (2013). "Crisis management revisited: A new agenda for research, training and capacity building within Europe". *Sundelius, Bengt*.
- Totonchian, M. (1991). "Skills a successful manager. An article about the management of Tehran: Center for Public Management", [In Persian].